

## فردوسی و شاهنامه در یک نگاه

امروز بعد از مسلمانی، شما به دو چیز افتخار می‌کنید: ایرانی بودن و زبان فارسی. هیچ می‌دانید که اگر فردوسی نبود این هر دو یا نبود و یا اگر بود چیزی دیگر بود که معلوم نیست جای افتخاری می‌داشت. حکیم ابوالقاسم فردوسی پدیدآورنده شاهنامه، زمانی کتاب عظیم خودش را به نظم درآورد که موجودیت زبان و فرهنگ ایران از هر سو مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود. او با درک نیاز زمانه خود تاریخ و سرگذشت قوم ایرانی را که به فراموشی سپرده شده بود به زبان شیرین و شیوای فارسی با استادی تمام به نظم درآورد و فرهنگ و قومیت ایرانی را از خطر سقوط و زوال نجات داد. گردآوری داستانها و تنظیم و تدوین و نظم این کتاب بزرگ بیشتر از سی سال طول کشید. روزی که به این کار مهم روی آورد تقریباً یک موی سپید هم بر سر و روی او پیدا نبود و زمانی که آن را با سرافرازی به پایان برد پیری بر سر و رویش فرونشسته و وجود او را در خود گرفته بود.

امروز ما افتخار می‌کنیم که همه ایرانی هستیم و هر کجا که هستیم با زبان شیرین و پرشکوه فارسی سخن می‌گوییم. سعدی شیرین سخن، حافظ رازدان، مولانای عارف و دهها شاعر و نویسنده خوش‌نام ایرانی همه از سرچشمه زبانی سیراب و سرشار شده‌اند که فردوسی بنای استوار آن را پیش از آنان پی افکنده بود.

شاهنامه فردوسی علاوه بر آن که یک دوره تاریخ پرشکوه ایران را از آغاز تا روزگار آمدن اسلام به ایران، در سینه خود جای داده، تمام آرزوها، دغدغه‌ها و گوشه‌هایی از زندگی انسان ایرانی را نیز در خودش بازتاب داده است، تا آنجا که وقتی شما این کتاب گرانقدر را می‌خوانید، می‌توانید تمام جنبه‌های زندگی نیاکان خود را از موضوعات خانوادگی و روابط افراد با یکدیگر گرفته تا مسایل بلند انسانی و شیوه زندگی توأم با مسالمت و همزیستی همگانی را در خلال حوادث آن ملاحظه کنید.

سادگی و استواری زبان این کتاب به حدی است که امروز پس از گذشت یک هزار سال هنوز شما می‌توانید پیامهای زیبا و شیرینی زبان آن را به خوبی دریابید و از آن لذت ببرید. چه کسی ساده‌تر و بهتر از این توانسته است در توحید خداوند سخن بگوید:

خداوند دارنده هست و نیست همه چیز جفت‌ست و ایزد یکیست

و یا چه کسی روشن‌تر و خالصانه‌تر از این توانسته است به پیامبر و خاندان او اظهار ارادت کند که فردوسی در این بیت کرده است:

ممن بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی

هنوز هم پس از هزار سال ملت فارسی‌زبان مثل ایران، که دانایی و توانایی را با هم همراه می‌بیند، می‌تواند در مقام ستایش از دانش این اشعار بلند فردوسی را روی جلد کتابها و سردر آموزشگاههای خود با سرافرازی بنویسد که:

توانا بود هرکه دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

و با صدای بلند به نوآموزان خود اعلام کند که:

ز دانش به اندر جهان هیچ نیست      تن مرده و جان نادان یکیست

در شاهنامه نیروی خرد و نیروی تن دو دو رویِ یک سگه‌اند که وجود انسان را کمال می‌بخشند، بنابراین پیام دیگر شاهنامه این است که:

ز نیرو بود مرد را راستی      ز سستی کژی زاید و کاستی

اینک ما می‌توانیم پیامهای بسیاری از این کتاب بزرگ برای زندگی امروز دریافت کنیم و چنان به زندگی بنگریم که پیشینیان ما می‌نگریستند و فردوسی می‌خواست که هر ایرانی چنان باشد و چون او به زندگی بنگرد.

مدیر مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی